

## صهيونيزم، امريكانيزم و باراك اوبامه

بدون شك قتل عام مردم بيوگناه فلسطين درنوار غزه بخش كوچك يكي از پلان هاي خونين اسرئيل و حامياتش ميباشد كه سالهاست براي ساختن اسرئيل بزرگ براه انداخته شده است. فقط نبايد فراموش كرد كه كاپيتاليزم بمثابه هسته اصلي و تغذيه كننده واقعي در عقب اين همه پلان هاي جهاني و منطوقی قرار دارد. بقای كاپيتاليزم بدون خشونت، گسترش ترس، برتریت جویی، زور گویی و جنگ ناممكن است و صهيونيزم ابزار مكملی است برای تحقق كاپيتاليزم. صهيونيزم بر مبنای برتریت خواهی و امتياز طلبی يك اقلیت بسيار كوچك استوار است. صهيونيزم دين، نژاد، و ملیت مشخص نميخواهد و دقيقاً به مانند كاپيتاليزم و امريكانيزم برای رسيدن به هدف كه همانا تامين منافع يك قشر برتریت طلب است، از هر ابزار و حالت ممكن استفاده ميکند. امروز از صهيونيست های سکولاز (!) و انتی امپرياليست (!) تا صهيونيست های عيسوی پيرو فرقه انجليكان ها موجود است. و يا اگر پالیسی، اهداف و عملکرد های نیو ليبرالها و نیو محافظه کاران را به دقت مطالعه كنيم، مشابهت های بسيار زيادی را ميتوان با پالیسی و اهداف دولت اسرئيل پيدا كرد. به همین دليل است، كه زلمی خليل زاد افغانی تبار كه خود را در هر فرصت ممكن نماينده مسلمانان جا ميزند، با حرارت از سياست های اسرئيل در منطقه دفاع ميکند و سالها ست كه سياست خارجی امريكا بر محور دفاع از منافع اسرئيل استوار است. دوست و مدافع اسرئيل بودن يك فرد به معنای تعلق داشتن او به طبقه نخبه گان (!) و برگزيده گان (!) تلقی ميشود. صهيونيست ها و استعمار گران خود شانرا برانزده ترين، متمدن ترين و مكملترين انسان های دنيا ميشمارند كه برای رهبری دنيا برگزيده شده اند. و در راه رسيدن به اهداف شان به دشمن های خود ساخته، كه بايد بربريت و وحشی گری را تمثيل كنند، نیازمند اند. آنهایی كه رهبريت، پالیسی و اهداف صهيونيزم و امريكانيزم را ميپذيرند، بدون در نظر داشت اينكه از كجا، كی و چی هستند، به تعبير موسسه راند و امريكان انتر پريس انستيتوت (۱) به عنوان انسان های معتدل، تمدن پرست، و قابل اعتماد پذيرفته ميشوند.

هر چند سكوت آقای باراك اوبامه در قبال حوادث غزه آنانی را كه در يك اميدواری كاذب، آزادی را در رنگ پوست آقای اوبامه جستجو ميكرند، مايوس ساخته است و لی سكوت و حتی پشتيبانی غير مستقيم آقای اوبامه از سياست اسرئيل در مورد قتل عام فلسطينيان در غزه تماماً نورمال و يك عمل قابل انتظار بشمار ميرود. آقای اوبامه بدون پشتيبانی و موافقت اهرم های مخفی قدرت در امريكا، كه طرفداران سرسخت اسرئيل شمرده ميشوند، هيچگاهی نمیتوانست كه در دفتر بيضوی شكل قصر سفيد پا گذارد. جويل كوول نويسنده يهودی تبار و استاد پوهنتون در امريكا در يك كنفرانس دانشگاهی با صراحت كامل بيان كرد كه اكثریت مطلق کسانی كه ميخواهند خود را به مجلس نماينده گان و يا سنا امريكا كاندید كنند، بايد موافقت لابی های قدرتمند اسرئيل را داشته باشند. پشتيبانان قدرتمند اسرئيل امروز در امريكا تا جای زيادی وظيفه غير رسمی شورای نگهبان ايران را اجرا ميكنند.

رنگ پوست آقای اوبامه تنها سخنرانی زنده ياد مالكوم ايكس يکی از رهبران افسانوی جنبش مدنی امريكا را به خاطر مياورد كه زمانی در يك سخنرانی خود گفته بود " در گذشته و حال دو نوع برده افریقایي وجود داشت و دارد. يکی برده خانگی، كه كار های خانه صاحب خود را انجام ميداد و ديگر برده ای كه در مزرعه كار ميكرد. برده خانگی در گوشه ای از حویلی صاحب خود زنده گی ميكرد، كالا های كهنه صاحب اش را ميپوشيد و كركتر و خصلت صاحب خود را تقليد ميكرد و صاحب خود رازيادتر از خودش دوست داشت. اگر خانه صاحب اش آتش ميگرفت قبل از صاحب اش برای خاموش كردن آتش ميديد. اگر صاحب اش مريض ميشد ميپرسيد كه " چه مشكل داريم؟ آیا مريض هستيم؟" خودش را جزء از پيكر صاحب اش حساب ميكرد و خدمت به صاحب خود را يکی از غنيمت های خداوندی ميشمرد. بر عكس برده ای كه در مزرعه كار ميكرد هميش در فكر مبارزه و فرار از ظلم و استبداد بود. كالاى كهنه به تن داشت ولی ذكى و جسور بود. اگر خانه صاحب اش در آتش ميسوخت برای خاكستر شدن تمام خانه دعا ميكرد."

فرق بين باراك اوبامه و يك افریقایي امريكايی را كه با بيرق فلسطين در قلب شهر سانفرانسيسكو برای مردم بی دفاع فلسطين اشك ميريخت هم ميتوان از سخنان آقای اوبامه كه در كنفرانس "ايبك" بزرگترین و قدرتمند ترین لابی اسرئيل در امريكا گفته است، بخوبی درك كرد.

آقای اوباما به تاریخ ۴ جون ۲۰۰۸ درست یک روز بعد از اینکه کاندیداتوری اش از طرف حزب دموکرات امریکا در انتخابات نومبر ۲۰۰۸، قطعی شد، در کنفرانس ایپک، کمیته روابط عمومی اسرائیل و امریکا، که بزرگترین و قدرتمندترین لابی اسرائیل است، سخنرانی کرد. لازم به تذکر است که تا هنوز از نانس پلوسی رئیس مجلس نماینده گان امریکا که "سوپر لیبرال" خوانده میشود تا کاندیدی لیزا رایس سوپر محافظه کار، همه کسانی که به کرسی های بلند دولتی در امریکا انتخاب و یا مقرر شده اند، درست یک روز بعد از مقررری و یا انتخاب به حضور لابی اسرائیل شرفیاب شده صداقت و وفا داری شانرا ابراز کردند. آقای اوباما هم با سخنرانی اش که ترجمه قسمت های آن در ذیل آمده است، آخرین فرد نخواهد بود.

"خیلی خوشحال هستم که دوستان خود را که از تمامی نقاط کشور در اینجا دور هم آمده اند، دوباره میبینم. آقایان هوارد فریدمن و داوید ویکتور را که این چنین کنفرانس با شکوهی را ترتیب داده اند، تبریک و تهنیت میگویم. امروز برای شما بمثابة یک دوست واقعی اسرائیل و از ته قلبم صحبت خواهم کرد. من میدانم که هر وقتی که با "ایپک" ملاقات میکنم، در میان دوستان خوب خود هستم. دوستان خوبی که در تعهدات محکم من در رابطه با دوستی امریکا و اسرائیل برای همیشه با من خواهند بود. زمانی که هنوز ۱۱ سال عمر داشتم از داستان زنده گی مردم اسرائیل با خبر شدم. از مسافرت های دور دراز مردم اسرائیل و عزم راسخ شان خیلی چیزها آموختم. داستان مردم اسرائیل تاثیرات خاص خود را بالای طرز فکر من بجا گذاشته است. نیت و مقصد ایدیالوژی صهیونیسم را که در مرکز آن همیشه یک وطن (وطن در اینجا به معنی هدف است نه یک پارچه زمین. نگارنده) وجود دارد، بخوبی درک میکنم. همچنان در مورد هولوکاست و داستان های وحشت انگیز آن خیلی چیزها آموختم. پدر کلانم و کاکای بزرگم در جنگ دوم جهانی در مقابل نازی ها جنگیدند. درست چند سال بعد از آزادی از کمپ های مرگ نازی بود که بین گوریون تاسیس دولت اسرائیل را اعلان نمود. ما میدانیم که تاسیس دولت اسرائیل یک عمل ضروری بود که ریشه در قرن ها مبارزه و سالها امید و حوصله داشت. به عنوان یک رئیس جمهور هیچگاهی در مورد امنیت اسرائیل معامله نخواهم کرد. نی با آنهایی که هولوکاست را انکار میکنند، و نه هم با آنهایی که در پی محو اسرائیل هستند. افتخار دارم که عضو یک جمعیت نیرو مند پارلمانی هستم که متشکل از دموکرات ها و جمهوری خواهان است و همیشه در پهلوی اسرائیل در مقابل خطراتی که اسرائیل را تهدید میکند، ایستاده است. این یک تعهد قوی است که من و جان مکین، هردوی مان در آن سهیم هستیم و این خود نشان میدهد که پشتیبانی و دفاع از اسرائیل مرزی ندارد و حزب نمیشناسد. اتحاد ما با اسرائیل بر مبنای ارزش ها و منافع مشترک مان استوار است. آنهایی که اسرائیل را تهدید میکنند، ما را هم تهدید میکنند. من مطمئن خواهم شد که اسرائیل بتواند از خود دفاع کند. بنابراین یکی از اولین اجراء بمثابة یک رئیس جمهور امضای یک فرمانی خواهد بود که بموجب آن در ده سال آینده مبلغ ۳۰ میلیارد دالر به اسرائیل در امور نظامی کمک خواهد شد. و همچنان اول باید ما کمک های مان به اسرائیل را در سال ۲۰۰۹ هر چه عاجل به تصویب برسانیم. ما باید همکاری های مانرا در رابطه به سپر موشکی افزایش دهیم و باید هم صدور تجهیزات نظامی را به اسرائیل سرعت داده و از روشی که با ناتو بکار میبریم، استفاده کنیم. و من همیشه در هر نقطه دنیا و در ملل متحد در پهلوی اسرائیل خواهم ایستاد.

اجازه دهید آشکارا بیان کنم که امنیت اسرائیل برای ما مقدس است و هرگز قابل معامله نخواهد بود. هر معاهده ی که با فلسطینیان امضا شود هویت، سرحدات و امنیت اسرائیل بمثابة یک دولت مهم در آن تضمین خواهد بود و شهر بیت المقدس هم به شکل یک پارچه و بدون تجزیه، به عنوان پایتخت اسرائیل باقی خواهد ماند. (این چیزی است که تا هنوز هیچ یک از روسای جمهور امریکا به این صراحت نگفته بود. نگارنده) فراموش نخواهم کرد که اگر تعهداتم در برابر اسرائیل وجود نمیداشت من هرگز اینجا در حضور شما نمیبودم. امروز زمان آن فرا رسیده است که در پهلوی اسرائیل ایستاده باشیم و این سر آغاز فصل دیگری از سفر شگفت آور مان خواهد بود."

در اخیر آنانی که در یک اوقیانوس سرد و تاریک منتظر نجات شان از طرف اوباما هستند، نباید فراموش کنند که صهیونیسم و استعمار در بر خه های معین زمانی به تصویر های که میتوان از آن ها برای اغفال افکار عامه استفاده کرد، نیاز دارند. این تصاویر میتواند رنگ پوست آقای اوباما باشد و یا هم به اصطلاح هوشیار که در آن به خط سرخ و خیلی ها هم شکننده و زشت، نوشته اند "آزادی".

یادداشت ها:

Rand Cooperation and American Enterprise Institute. (۱)

رويکرد ها:

(۱) Obama, Barak. Speech at AIPAC, American Israel Public Affairs Committee. ۴ June ۲۰۰۸.

(۲) X, Malcolm. Speech in Detroit. ۱۰ November, ۱۹۶۳.

(۳) Kovel, Joel. Overcoming Zionism, Speech in Sacramento. April ۲۰۰۸.